



Evaluation and ranking of the components of empowerment of dilapidated structures by improving social status (Case study: Harsin city)

Ali Ghobadi*¹ , Mahshid Sehzadeh 

1 -PhD student in Urban Planning, Abu Ali Sina University of Hamadan, Hamadan, Iran

2.- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Abu Ali Sina University of Hamadan, Hamadan, Iran.

Received Date: 24 November 2025

Accepted Date: 23 February 2026

Abstract

Background and Objective: Today, dilapidated urban textures are not only considered a physical and structural challenge, but due to the accumulation of deficiencies, they have become a platform for weakening the collective identity and degrading the social status of their residents. In new approaches to regeneration, the transition from purely physical renovation to "community-based empowerment" is an inevitable necessity; because the sustainability of any urban intervention depends on restoring human dignity, strengthening the sense of belonging, and restoring self-esteem to citizens who must themselves be the main agents of change and development in their living environment. The purpose of the present study is to evaluate and rank the components of empowering dilapidated textures with the approach of improving the social status of citizens in the city of Harsin.

Methodology: The present research is of an applied type and is descriptive-analytical in terms of methodology. The statistical population of the research consists of 30 experts and specialists related to the field of urban planning, urban decay and urban management. The data were collected through a questionnaire and the SAWIC multi-criteria decision-making model was used to analyze and rank the factors.

Results and Findings: The results of the study show that in the dilapidated context of Harsin, "social degradation" has surpassed physical challenges, and the socio-cultural dimension, with an emphasis on reducing damage and improving security, has the highest priority over the economic and physical dimensions. These findings prove the necessity of changing the paradigm from "physically-centered" to "human-centered" and show that physical and management interventions should only play a facilitating role. Therefore, success in empowering this context requires a strategic focus on recreating the identity and promoting the social status of residents before any physical renovation.

Keywords: Worn out texture, empowerment, social status, modeling, SAWIC, Harsin city.

* **Corresponding Author Email:** Alighobadi126@yahoo.com

Cite this article: Ghobadi,A. and Sehzadeh,M. (2026). Evaluation and ranking of the components of empowerment of dilapidated structures by improving social status (Case study: Harsin city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(2), 498-517.

ارزیابی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: شهر هرسین)

علی قبادی^{۱*}، مهشید صبحی زاده^۲

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه ابوعلی سینا همدان، همدان، ایران.

۲- استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه ابوعلی سینا همدان، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

چکیده

زمینه و هدف: بافت‌های فرسوده شهری امروزه تنها یک چالش کالبدی و سازه‌ای محسوب نمی‌شوند، بلکه به دلیل انباشت نارسایی‌ها، بستری برای تضعیف هویت جمعی و تنزل جایگاه اجتماعی ساکنان خود گشته‌اند. در رویکردهای نوین بازآفرینی، گذار از نوسازی صرفاً فیزیکی به سمت «توانمندسازی اجتماع‌محور» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه پایداری هرگونه مداخله شهری در گرو احیای کرامت انسانی، تقویت حس تعلق و بازگرداندن عزت‌نفس به شهروندانی است که باید خود، عاملان اصلی تغییر و توسعه در محیط زندگی‌شان باشند. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی شهروندان در شهر هرسین است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و از نظر روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش را ۳۰ نفر از کارشناسان و متخصصان مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی شهری، بافت فرسوده شهری و مدیریت شهری تشکیل می‌دهند. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و برای تحلیل و رتبه‌بندی عوامل، از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره سای‌ویک (SAWIC) استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بافت فرسوده هرسین، «فرسودگی اجتماعی» بر چالش‌های کالبدی پیشی گرفته و بُعد اجتماعی-فرهنگی با تأکید بر کاهش آسیب‌ها و ارتقای امنیت، بالاترین اولویت را نسبت به ابعاد اقتصادی و کالبدی دارد. این یافته‌ها ضرورت تغییر پارادایم از «کالبدمحوری» به «انسان‌محوری» را اثبات کرده و نشان می‌دهند که مداخلات فیزیکی و مدیریتی تنها باید نقش تسهیل‌گر را ایفا کنند. بنابراین، موفقیت در توانمندسازی این بافت، مستلزم تمرکز راهبردی بر بازآفرینی هویت و ارتقای منزلت اجتماعی ساکنان پیش از هرگونه نوسازی فیزیکی است.

کلیدواژه‌ها: بافت فرسوده، توانمندسازی، منزلت اجتماعی، مدلسازی، سای‌ویک، شهر هرسین.

* ایمیل نویسنده مسئول: Alighobadi126@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: قبادی، علی و صبحی زاده، مهشید. (۱۴۰۵). ارزیابی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی شهروندان (نمونه موردی: شهر هرسین). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۷(۲)، ۴۹۸-۵۱۷.

مقدمه و بیان مسأله

شهر به مثابه یک ارگانیزم زنده، پویا و یکپارچه، نمایانگر یکی از عظیم‌ترین تحولات در تاریخ فرهنگ بشری است؛ چنان‌که شواهد حاکی از آن است که در دوره‌های اخیر، روند شهرنشینی و گسترش الگوهای زندگی شهری (شهرگرایی) در کشورهای در حال توسعه، شتابی فزاینده به خود گرفته است (رسولی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲). لکن در دوران معاصر، همین شتاب تحولات شهری سبب شده است تا بخش‌هایی از شهر تحت عنوان بافت‌های فرسوده، دچار ناکارآمدی عملکردی شده و در برقراری تعامل مؤثر با محیط و تأمین نیاز بهره‌برداران ناتوان مانند؛ از این‌رو، مداخله در این بافت‌ها از طریق تدوین خط‌مشی‌های طراحی و برنامه‌ریزی فضا، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود (ایلانلو و سهرابی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). در همین راستا، امروزه اکثر شهرها با مسائل متعددی از جمله بافت‌های ناکارآمد و فرسوده دست و پنجه نرم می‌کنند که منجر به چالش‌های مختلف کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی شده است؛ وضعیتی که به دلیل نبود راهبردهای روشن و مستند برای مدیریت و برنامه‌ریزی، تشدید گشته است (سبحانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۸). نکته قابل تأمل آنکه این بافت‌ها دارای ماهیتی دوگانه هستند؛ بدین معنا که اگرچه از یک‌سو از طیف گسترده مشکلات کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست‌محیطی رنج می‌برند، اما از سوی دیگر مهم‌ترین پتانسیل شهرها برای اسکان جمعیت، تأمین فضاهای خدماتی و بهبود زیست‌محیطی محسوب می‌شوند. با این وجود، مشکلاتی نظیر فرسودگی شدید بناها، شبکه معابر نامنظم و ناکافی، تراکم و پیوستگی اجزاء بافت، مصالح نامرغوب و کمبود شدید تأسیسات و تسهیلات زیربنایی، این محدوده‌ها را در پاسخگویی به نیازهای امروزی زندگی نارسا ساخته است (ماندنی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

این محدوده‌ها که غالباً هسته‌های اولیه و تاریخی شهر را تشکیل می‌دهند، در فرآیند گذار نتوانسته‌اند خود را با رشد سریع و الزامات مدرنیسم همگام سازند و زوال آن‌ها موجب گسست در یکپارچگی و وحدت فضایی میان بخش‌های مرکزی، میانی و پیرامونی شده است. این پهنه‌های آسیب‌پذیر که ارزش اکولوژیک و اقتصادی نازلی یافته‌اند، طبق نظر مانول و آلپویی (به نقل از محمدی و سالاری، ۱۴۰۲: ۳۳)، محصول عواملی نظیر ساختار صنعتی ناکارآمد، نوسانات بازار زمین و مسکن، توقف سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی و افزایش نرخ بیکاری هستند. پیامد مستقیم این شرایط، آسیب‌پذیری بالا و تاب‌آوری پایین در برابر بحران‌هاست؛ چراکه توسعه غیراصولی و فشار ناشی از مهاجرت، شهر را در برابر مخاطرات طبیعی و مصنوعی بی‌دفاع کرده است (حق‌پناه، کریمی و مهدی‌نژاد، ۱۴۰۰) و اهمیت آسیب‌پذیری فیزیکی در این بافت‌ها، بیش از هر چیز تهدیدی مستقیم برای سلامت و جان شهروندان به شمار می‌رود (حسن‌زاده توکلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۴). در همین راستا و در سطحی عمیق‌تر، باید اذعان داشت که اگرچه شهرها به عنوان پیچیده‌ترین زیست‌بوم‌های انسانی، همواره با دوگانگی «توسعه» و «فرسودگی» مواجه بوده‌اند، اما مسئله بنیادین فراتر از ناپایداری کالبدی، ریزدانی و نفوذناپذیری فیزیکی است (Kang et al, 2025) در واقع، چالش اصلی، شکل‌گیری نوعی «طرد فضایی-اجتماعی» است که این محدوده‌ها را به جزایری از محرومیت در دل شهرها تبدیل کرده است. متأسفانه در بسیاری از رویکردهای مداخله‌ای پیشین، بافت فرسوده صرفاً به مثابه یک «کالا» یا «پروژه عمرانی» نگریسته شده که نیازمند نوسازی فیزیکی است؛ لکن این نگاه تک‌بعدی و کالبد-محور، منجر به غفلت از سرمایه اصلی شهر، یعنی «انسان» و «منزلت اجتماعی» او شده است (Wegleitner et al, 2026: 5). بنابراین، توانمندسازی بافت‌های فرسوده شهری باید در تمام سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در تمام سطوح در نظر گرفته شود (Peerapun, 2018: 149) و به عنوان یک سیاست جامع و یکپارچه، تلاش کند تا شرایط اقتصادی و اجتماعی را بهبود بخشد، محیط زیست را ارتقا داده و بافت‌ها را احیا کند (Dean, K., & Trillo, 2019: 3).

در واقع توانمندسازی بافت‌های فرسوده را نمی‌توان تنها در چارچوب اقدامات کالبدی محصور نمود؛ بلکه این فرآیند، پیشرانی راهبردی جهت «بازآفرینی کرامت شهروندی» و احیای منزلت اجتماعی ساکنان است. سیطره فرسودگی کالبدی، با تولید «داغ ننگ فضایی»، ساکنان را در حصار از انزوای روانی و طرد اجتماعی گرفتار می‌سازد؛ حال آنکه راهبرد توانمندسازی با ارتقای کیفیت محیطی و نوسازی زیرساخت‌ها، غبار محرومیت را از چهره محله زدوده و با تقویت «سرمایه نمادین» و ارزش مبادلاتی سکونتگاه، جایگاه اجتماعی بافت را بازتعریف می‌کند. در این گذار، تبدیل فضاهای ناکارآمد به عرصه‌هایی زیست‌پذیر و ایمن، پارادایم ذهنی

«شرم از مکان» را به «افتخار به سکونت» تغییر داده و با اعطای عاملیت به ساکنان، آنان را از حاشیه‌نشینانی منفعل به کنشگرانی صاحب‌حق و برخوردار از منزلت اجتماعی بدل می‌سازد (Husen et al, 2025).

توانمندسازی به مثابه راهکاری جهت بهبود شرایط زندگی در جوامع محلی، بر پایه بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود استوار است. با توجه به عدم توفیق رویکردهای سنتی، رویکردهای متأخر بر اهمیت راهبردی «سرمایه اجتماعی» تمرکز دارند؛ چراکه رویکرد توانمندسازی با تکیه بر سرمایه اجتماعی، ضمن تقویت توانایی‌های فردی و گروهی ساکنان، زمینه مشارکت فعال و آگاهانه آنان را در فرآیند توسعه مهیا می‌سازد (سرگلزایی جوان و هادیان، ۱۳۹۵: ۱۸۸). از آنجا که موفقیت در فرآیند توانمندسازی در گرو بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های درونی است، به‌کارگیری رویکرد مشارکتی اهمیتی حیاتی می‌یابد؛ زیرا شرط لازم برای فعال‌سازی پتانسیل‌های مردمی، تمایل و توانایی آنان برای مشارکت است و همین ضرورت، جهت‌گیری نظام برنامه‌ریزی را به سمت راهبردهای «ارتقای سرمایه اجتماعی» سوق داده است (Ohno, 2018: 42). علاوه بر این، دستیابی به توسعه پایدار در مناطق شهری فرسوده صرفاً از طریق توانمندسازی کالبدی کافی نیست. مدیریت شهری باید مفهوم بازآفرینی را در یک چارچوب آینده‌نگر بازتعریف کند تا این بافت‌ها قادر باشند با سایر مناطق رقابت کرده و در شبکه شهرهای جهانی، ملی و منطقه‌ای برجسته شوند. بر اساس جدیدترین نظریه‌ها در مورد شهرهای آینده، رویکرد برندسازی می‌تواند به عنوان یک هدف عالی برای توسعه بافت‌های فرسوده مطرح شود که اخیراً مورد توجه محققان شهری در سراسر جهان قرار گرفته است (Mohammadi et al, 2025: 132).

در این راستا، شهر هرسین با وجود برخوردار از پیشینه‌ای کهن و غنای فرهنگی، در بخش‌هایی از کالبد شهری خود با معضل فرسودگی روبروست؛ معضلی که فراتر از فرسایش فیزیکی، به مرور زمان بر «منزلت اجتماعی» و «احساس ارزشمندی» ساکنان این محلات سایه افکنده است. ضرورت توانمندسازی بافت‌های فرسوده هرسین با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که مداخلات صرفاً کالبدی و عمرانی، بدون توجه به کرامت انسانی و بازسازی هویت محلی، نه تنها پایدار نخواهند بود، بلکه می‌توانند به گسست پیوندهای عمیق اجتماعی و تشدید حاشیه‌نشینی ذهنی شهروندان منجر شوند. لذا عبور از نگاه «پروژه‌محور» به نگاه «انسان‌محور» در هرسین، شرط اصلی احیای اعتماد به نفس عمومی و بازگرداندن حیات مدنی به این بافت‌هاست. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که مهم‌ترین شاخص‌های کلیدی توانمندسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی شهروندان در شهر هرسین کدامند؟

مبانی نظری پژوهش

در راستای تدوین چارچوب نظری پژوهش، این بخش به تبیین مفاهیم بنیادین و ارتباط منطقی میان متغیرها می‌پردازد. بدین منظور، ابتدا ماهیت «بافت فرسوده» و ابعاد دوگانه فرصت و چالش در آن بررسی می‌شود. در ادامه، مفهوم «منزلت اجتماعی» و تأثیرپذیری آن از کیفیت محیطی مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت، رویکرد «توانمندسازی» به عنوان حلقه اتصال کالبد و اجتماع و راهبردی جهت ارتقای زیست‌پذیری در این بافت‌ها تشریح می‌گردد.

بافت فرسوده

بافت‌های فرسوده شهری را می‌توان تبلوری از یک «تأخر فضایی-زمانی» در فرآیند توسعه دانست؛ عرصه‌هایی که در گذر زمان از استانداردهای نوین شهرسازی فاصله گرفته و به دلیل عدم انطباق با تحولات تکنولوژیک و سبک زندگی معاصر، ظرفیت پاسخگویی به نیازهای زیستی ساکنان را از دست داده‌اند (Wang et al., 2022). این محدوده‌ها که به دلیل نارسایی‌های ساختاری، زیرساختی و عملکردی، قادر به همگامی با ضرب‌آهنگ زندگی مدرن شهری نیستند، عملاً آسیب‌پذیری بالایی در برابر مخاطرات طبیعی و انسانی از خود نشان می‌دهند (اسدی عزیزآبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۶). با این حال، نگاه به این بافت‌ها نباید تک‌بعدی باشد؛ چراکه آن‌ها پدیده‌هایی با پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند. این محدوده‌ها از یک‌سو ریشه در هویت سکونتی شهر داشته و از غنای فرهنگی-اجتماعی و ارزش‌های معماری برخوردارند، و از سوی دیگر زیر بار فشار فرسودگی شدید،

فقدان خدمات مطلوب و ضعف در دسترسی و بهداشت، دچار فرسایش شده‌اند. لذا هرگونه مداخله در این بافت‌ها نیازمند رویکردی ظریف است که ضمن بهره‌برداری از ارزش‌های تاریخی-فرهنگی نهفته در آن‌ها، چالش‌های موجود را به حداقل ممکن تقلیل دهد (رسولی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲). از منظر کالبدی و عملکردی، بافت‌های فرسوده با چالش‌های ساختاری عمیقی نظیر ناهمخوانی فرم و فعالیت، تداخل کاربری‌های ناسازگار، اغتشاش در نظام کاربری اراضی و فقدان سلسله‌مراتب دسترسی استاندارد دست‌به‌گریبان‌اند. افزون بر این، فقر شدید سرانه‌های خدماتی و رفاهی (به‌ویژه فضاهای فراغتی)، موجبات زوال کیفیت محیطی و تنزل ارزش سکونتی و اقتصادی آن‌ها را در نظام شهری فراهم آورده است (امامی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۵۵). با وجود این حجم از انباشت معضلات کالبدی و زیست‌محیطی، ماهیت این بافت‌ها در کلان‌شهرها، ماهیتی دوگانه و پارادوکسیکال است؛ چراکه این پهنه‌ها هم‌زمان به عنوان «ذخایر استراتژیک زمین» و پتانسیلی بالقوه برای تحقق توسعه درون‌زا شناخته می‌شوند. به بیان دیگر، بازآفرینی هوشمندانه این بافت‌ها فرصتی بی‌بدیل برای تأمین مسکن، بازتولید فضاهای باز شهری و ارتقای تاب‌آوری محیط‌زیست شهری با تکیه بر مشارکت کنشگران محلی به شمار می‌رود (موسوی، ۱۳۹۵).

منزلت اجتماعی

مفهوم منزلت اجتماعی در اندیشه ماکس وبر، نه صرفاً بازتابی از شرایط اقتصادی، بلکه برآیندی از «تأیید اجتماعی» و ارزیابی‌های مثبت یا منفی جامعه نسبت به افراد است. وبر با تمایز قائل شدن میان «طبقه» (که ریشه در موقعیت بازار و منافع اقتصادی دارد) و «گروه منزلتی» (که بر پایه سبک زندگی و فرهنگ مشترک شکل می‌گیرد)، استدلال می‌کند که جایگاه فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی تنها تابع ثروت نیست، بلکه متأثر از الگوی مصرف، شأن فرهنگی و هویت گروهی اوست. در واقع، سبک زندگی هر گروه، نمود عینی منزلت آن‌هاست و حتی نحوه کسب ثروت نیز تحت تأثیر ارزش‌های همین گروه منزلتی قرار دارد. بدین ترتیب، قشربندی اجتماعی بیش از آنکه حاصل انباشت سرمایه اقتصادی باشد، نتیجه چگونگی ارزش‌گذاری نمادین منابع توسط گروه‌های مختلف است؛ چنانکه ورود به یک گروه با منزلت بالا، مستلزم برخورداری از سرمایه‌هایی فراتر از پول، نظیر تبار خانوادگی، تحصیلات و مهارت‌های ویژه است که نهایتاً در انتخاب محل سکونت و کیفیت زندگی نمود می‌یابد (اسمعیل‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹).

عناصر اصلی توانمندسازی بافت فرسوده شهری

توانمندسازی یا بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، فرآیندی چندبعدی است که تنها به ساخت‌وساز محدود نمی‌شود. بر اساس رویکردهای نوین شهرسازی (مانند رویکرد بانک جهانی و استراتژی توسعه شهر CDS)، مشارکت، برنامه‌ریزی راهبردی و پایداری، سه ضلع مثلث رهیافت بازآفرینی شهری را تشکیل داده و پایه‌ای برای اقدام در توانمندسازی بافت فرسوده شهری فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، عناصر اصلی رهیافت توانمندسازی بافت فرسوده شهری یا بازآفرینی شهری عبارتند از:



شکل (۱). عناصر اصلی رهیافت توانمندسازی بافت فرسوده شهری یا بازآفرینی شهری منبع: (نادری و رنجبردار، ۱۴۰۱: ۲۰۸)

فرآیند توانمندسازی بافت فرسوده شهری ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در مقیاس‌های شهری، منطقه‌ای و ملی در بر می‌گیرد و مشتمل بر اصول تغییر و تحولات اقتصادی، تغییر و تحولات اجتماعی، حکمروایی، تغییر و تحولات کالبدی، کیفیت محیط‌زیست و توسعه پایدار می‌باشد (Miao et al, 2017:8).

ارتباط توانمندسازی بافت فرسوده شهری را با منزلت اجتماعی

ارتباط میان توانمندسازی بافت‌های فرسوده و منزلت اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیک و ناگسستنی است؛ چراکه فرسودگی کالبدی و نارسایی‌های زیرساختی، تنها یک چالش فیزیکی نبوده، بلکه به مثابه نوعی «طرز فضایی» عمل کرده و به مرور زمان با ایجاد برجسب‌های ناکارآمدی و حاشیه‌ای بودن، جایگاه و شأنیت اجتماعی ساکنان را در اذهان عمومی و حتی در باور خود ساکنان تقلیل می‌دهد. از این‌رو، توانمندسازی بافت فرسوده با رویکرد بازآفرینی، فراتر از نوسازی خشت و گل، به معنای بازگرداندن «حقوق به شهر» و احیای هویت جمعی است که با ارتقای کیفیت محیطی و اقتصادی، زمینه‌های زدودن انگاره‌های منفی فقر و محرومیت را فراهم می‌آورد (Chen & Wang, 2026:75). در واقع، ارتقای شاخص‌های زیست‌پذیری در جریان فرآیند توانمندسازی، مستقیماً بر «سرمایه نمادین» محله اثر می‌گذارد. زمانی که بافت شهری از منظر کالبدی، ایمنی و دسترسی به خدمات اصلاح می‌شود، حس تعلق مکانی و اعتماد به نفس ساکنان تقویت شده و احساس شهروند درجه‌دو بودن جای خود را به غرور مدنی می‌دهد. این دگرگونی، نگاه بیرونی جامعه به بافت را از منطقه‌ای آسیب‌خیز به کانونی ارزشمند و دارای هویت تاریخی-اجتماعی تغییر داده و بدین ترتیب، منزلت اجتماعی ساکنان را به عنوان شهروندانی برخوردار و مؤثر در حیات شهری تثبیت می‌کند (Breyer, 2025: 813).

پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی و واکاوی مطالعات پیشین در دو حوزه توانمندسازی بافت‌های فرسوده و مؤلفه‌های منزلت اجتماعی، در سطوح داخلی و بین‌المللی پرداخته شده است. هدف از این مرور ادبیات، شناسایی شکاف‌های پژوهشی و بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری و تجربی محققان پیشین جهت تبیین دقیق‌تر ابعاد موضوع حاضر است.

زیاری و رستمی (۱۴۰۳) در مقاله خود به اثرگذاری مؤلفه‌های توانمندسازی در بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری، شهر سنندج پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که وضعیت توانمندسازی در بازآفرینی پایدار بافت فرسوده شهر سنندج در وضعیت نامناسبی قرار دارد. همچنین، براساس نتایج به‌دست‌آمده، مؤلفه آموزش برابر $0/81$ بیشترین تأثیر در بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهر سنندج دارد. بعد از آن، به ترتیب مؤلفه‌های شفاف‌سازی با میزان اثر و سطح اطمینان $(P= 0/001)$ ، $(\beta=0/74)$ ، مؤلفه اعتماد بخشی $(P= 0/001)$ ، $(\beta=0/69)$ ، تشکیل‌ها $(P= 0/001)$ و دسترسی به منابع $(P= 0/004)$ ، دارای اثر معنادار بر بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهر سنندج بودند. بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که وضعیت مؤلفه‌های توانمندسازی در بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهر سنندج در سطحی نامناسب قرار داشته و در راستای بازآفرینی پایدار این بافت‌ها مؤلفه‌های آموزش، شفاف‌سازی و اعتماد بخشی دارای نقش شگرفی هستند که نیازمند توجه بیشتر در برنامه‌های توسعه شهری در جهت رسیدن به پایداری هستند.

حیدر منش و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود به شناسایی پیشران‌های استراتژیک مؤثر بر فقر جهت توانمندسازی بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان با رویکرد آینده‌نگاری در افق ۱۴۲۰ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که در سیستم توانمندسازی بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان، مؤلفه‌های «اقتصادی» و «اجتماعی» به عنوان متغیرهای کلیدی، بیشترین ضریب تأثیر را به خود اختصاص داده‌اند؛ این در حالی است که ابعاد کالبدی و مدیریتی در پایین‌ترین سطح اثرگذاری قرار دارند. بر مبنای این تحلیل، پیشران‌های استراتژیک برای بهبود وضعیت شامل ارتقای سرمایه انسانی اقشار آسیب‌پذیر، تدوین سیاست‌های ملی فقرزدایی، نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی، کنترل تورم و فساد، و همچنین سرمایه‌گذاری هدفمند دولت در بخش مسکن و کاهش فقر شناسایی شده‌اند.

قنبری و حسینی نیا (۱۴۰۰) در مقاله خود به بررسی تأثیر توانمندسازی بافت فرسوده شهری بر ارتقای گردشگری بوم‌گرا، شهر ساحلی قشم پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شاخص‌های اقتصادی با نمره ۴.۱۵ و پس از آن شاخص فرهنگی با نمره ۳.۶۶ بیشترین نقش در توانمندسازی ساکنین بافت فرسوده قشم جهت ارتقای گردشگری بوم‌گرا را دارند. شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی با ضرایب ۰.۶۳۱ و ۰.۶۰۱ بیشترین همبستگی از نظر اثر توانمندسازی ساکنین بافت فرسوده بر ارتقای سطح گردشگری بوم‌گرا در قشم را از خود نشان داده‌اند. همچنین، معیارهای اقتصادی و فرهنگی به ترتیب با نمره‌های $F=1.91$ و $F=1.75$ بیشترین نقش در توانمندسازی ساکنین بافت فرسوده قشم در جهت ارتقای گردشگری بوم‌گرا را دارا هستند.

اسمعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود به بررسی تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربست مدل معادلات ساختاری (نمونه مورد مطالعه: بافت میانی شهر اراک) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بافت میانی شهر اراک برخلاف نظریه «برگس» (که این نواحی را فرسوده و محل اسکان اقشار کم‌درآمد می‌داند)، به دلیل برخورداری از «صالت و منزلت اجتماعی» و دسترسی مناسب به مرکز شهر، به کانونی جذاب برای اقشار متمول با قیمت بالای زمین تبدیل شده است. نتایج حاکی از آن است که هزینه حمل‌ونقل تأثیری در انتخاب این بافت ندارد، اما فرآیند بازآفرینی در آن منجر به «اعیان‌سازی» و تغییر ساختار جمعیتی از طریق حذف اقشار کم‌درآمد شده است. در مدل‌سازی نهایی نیز متغیرهای دموگرافیک به عنوان عوامل «مستقل» و منزلت اجتماعی به عنوان عامل «وابسته» شناسایی شدند.

سرگلزایی جوان و هادیان (۱۳۹۵) در مقاله خود به بررسی امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، محله شیرآباد شهر زاهدان پرداخته‌اند. نتایج ارزیابی شاخص‌های توانمندسازی در محله شیرآباد نشان می‌دهد که متغیرهای «همکاری» (در تمامی ابعاد چهارگانه) و «شبکه‌های رسمی و غیررسمی» (در ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی)، به همراه مشارکت زیست‌محیطی، در وضعیتی مطلوب و فراتر از حد متوسط قرار دارند؛ در حالی که شاخص‌های «اعتماد» (در کلیه ابعاد) و «مشارکت» (در ابعاد کالبدی و اجتماعی) وضعیتی متوسط را تجربه کرده و مشارکت اقتصادی در پایین‌ترین سطح نمود یافته است. تحلیل آماری نیز مؤید همبستگی معنادار میان تمامی شاخص‌ها و ابعاد توانمندسازی است. این یافته‌ها بیانگر رابطه‌ای دیالکتیک و دوسویه میان سرمایه اجتماعی و توانمندسازی است؛ به طوری که تقویت هر یک، به ارتقای دیگری می‌انجامد. بر این اساس، ظرفیت‌های موجود در محله شیرآباد به عنوان نمونه‌ای از سکونتگاه‌های غیررسمی ایران، بستر مناسبی را برای پیاده‌سازی راهبرد توانمندسازی مبتنی بر سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد.

محمدی و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در مقاله خود به تدوین راهبردهای توانمندسازی و تحلیل کالبدی بافت فرسوده شهری با استفاده از رویکرد تلفیقی AHP و SWOT (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ تهران) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که در واکاو مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بافت مورد مطالعه، «تهیه طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده» با وزن نهایی ۰.۳۱۵، «برخورداری از زیرساخت‌های حیاتی شهری» با وزن ۰.۲۷۴ و «دسترسی مطلوب به بازار و شبکه شهری» با وزن ۰.۱۶۳ به عنوان بارزترین نقاط قوت شناسایی شده‌اند؛ حال آنکه در مقابل، چالش‌های ساختاری نظیر «ترخ بالای بیکاری» (۰.۲۸۴)، «سطح پایین درآمد ساکنان» (۰.۱۹۵) و «نامناسب بودن وضعیت معابر» (۰.۱۵۸) عمده‌ترین نقاط ضعف منطقه به شمار می‌روند. افزون بر این، تحلیل فرصت‌های محیطی حاکی از آن است که «پیشینه تاریخی-مسکونی عصر صفوی» با اختصاص وزن قابل توجه ۰.۴۱، در کنار «مجاورت با مراکز تجاری» (۰.۱۸۴) و «هم‌جواری با بافت‌های مسکونی پیرامونی» (۰.۱۲۳)، پتانسیل‌های کلیدی توسعه محسوب می‌شوند، اما هم‌زمان فرآیند ساماندهی با تهدیدهای جدی شامل «هجوم فراینده مهاجران» (۰.۳۴۹)، «نگرش منفی اجتماعی نسبت به سکونت در منطقه» (۰.۲۱۶) و «غفلت از مشارکت‌های مردمی» (۰.۱۹۸) مواجه است که لزوم اتخاذ تدابیر راهبردی ویژه را برجسته می‌سازد.

بریر^۲ (۲۰۲۵) در مقاله خود به بررسی سلسله مراتب جایگاه اجتماعی و منابع فرهنگی و اقتصادی آن پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که هم منابع اقتصادی و هم سرمایه‌های فرهنگی، به شدت در پیکربندی و تعیین‌بخشی به منزلت اجتماعی

^۱ Mohammadi

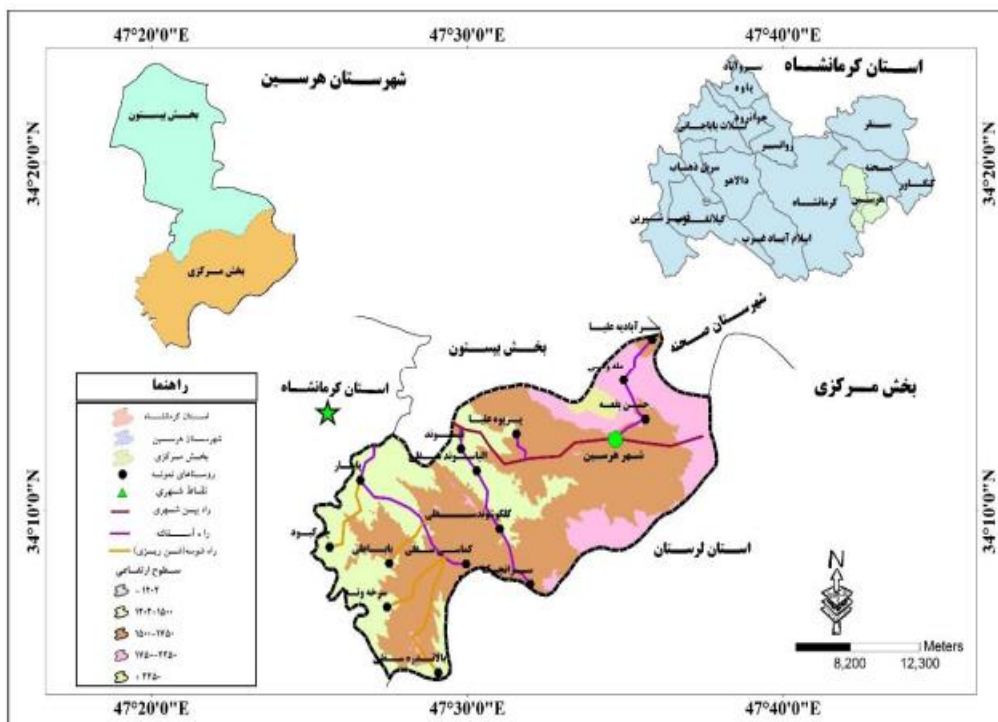
^۲ Breyer

شهروندان مؤثر بوده و در این میان، متغیرهای کلیدی «شغل»، «نژاد/قومیت» و «درآمد» به عنوان پیشران‌های اصلی، بیشترین نقش را در ترسیم جایگاه افراد ایفا می‌کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که صرف‌نظر از موقعیت فردی، نوعی اجماع نظر میان زیرگروه‌های مختلف اجتماعی پیرامون این سلسله‌مراتب وجود دارد که نشان‌دهنده تشبیت ساختاری این نگرش در اذهان عمومی است. این مطالعه با برجسته‌سازی این واقعیت که نابرابری‌های فرهنگی و اقتصادی هر دو به رسمیت شناخته شده‌اند، به درک عمیق ریشه‌های ساختاری رنجش‌های سیاسی و اجتماعی کمک شایانی می‌کند؛ لذا در فرآیند توانمندسازی بافت‌های ناکارآمد شهری، ارتقای واقعی منزلت ساکنان مستلزم گذار از مداخلات صرفاً کالبدی و تمرکز بر راهبردهایی است که با بهبود مولفه‌های درآمدی و شغلی و ترمیم شکاف‌های هویتی، احساس نابرابری را تقلیل داده و جایگاه شهروندی آنان را در سلسله‌مراتب اجتماعی بازآفرینی نماید.

بررسی و فراتحلیل نظام‌مند پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات علمی قابل‌توجهی در دو حوزه نسبتاً مستقل «توانمندسازی بافت‌های فرسوده» - با تمرکز بر ابعاد کالبدی، پایداری، گردشگری و فقرزدایی - و «منزلت اجتماعی» - به‌عنوان یک متغیر جامعه‌شناختی یا عامل اثرگذار بر گرایش به نوسازی و اعیان‌سازی - انجام شده است، اما همچنان شکاف نظری و تجربی معناداری در تلفیق هدفمند و عملیاتی این دو مقوله وجود دارد. به‌بیان دیگر، اغلب پژوهش‌های پیشین، مفهوم توانمندسازی را عمدتاً در چارچوب بازآفرینی کالبدی یا حداکثر توسعه سرمایه اجتماعی تبیین کرده‌اند و کمتر به‌صورت مستقیم، «ارتقای منزلت اجتماعی» را به‌عنوان متغیر هدف و برون‌داد نهایی فرآیند توانمندسازی، مورد مدل‌سازی و سنجش قرار داده‌اند. افزون بر این، عدم بهره‌گیری از رویکردهای نوین تصمیم‌گیری و مدل‌های رتبه‌بندی پیشرفته به‌منظور اولویت‌بندی دقیق، نظام‌مند و ریاضی‌وار مؤلفه‌ها، به‌ویژه در شهرهای میانی با ساختار اجتماعی-قومی خاص، خلأ متدولوژیک و زمینه‌ای دیگری را رقم زده است. در این راستا، پژوهش حاضر با عبور از تحلیل‌های صرفاً توصیفی و رایج، در پی ارائه الگویی بومی است که بتواند مؤلفه‌های توانمندسازی را به ابزاری کارآمد برای احیای کرامت، شأنیت و منزلت اجتماعی شهروندان تبدیل کند.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان هرسین با مساحتی حدود ۱۰۰۶ کیلومترمربع، در موقعیت جغرافیایی ۳۴ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ، در بخش شرقی استان کرمانشاه واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان صحنه، از شرق به شهرستان نهاوند (استان همدان)، از جنوب به شهرستان دلفان (استان لرستان) و از غرب به شهرستان کرمانشاه محدود می‌شود. هرسین دارای ۲ بخش (مرکزی و بیستون) و ۲ شهر است و طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت کل این شهرستان ۷۸،۳۵۰ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). موقعیت محدوده مورد نظر در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل (۲). محدوده مورد مطالعه. ترسیم: نگارندگان

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر دارای یک رویکرد ترکیبی و چندوجهی است. که از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی-کمی، از لحاظ هدف، کاربردی، و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از ابزار پرسشنامه براساس طیف لیکرت و برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش SIWES برای وزن‌دهی معیارها و در نهایت برای رتبه‌بندی استفاده شده است. هدف روش SIWEC ساده‌سازی فرآیند وزن‌دهی معیارها است. این روش به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد که معیارها را بدون مقایسه یا رتبه‌بندی فقط با یک امتیازدهی ساده ارزیابی کنند. همچنین، این روش مراحل محاسباتی ساده‌ای دارد که فرآیند تصمیم‌گیری را سریع‌تر و آسان‌تر می‌کند. روش SIWEC با هدف ساده‌سازی فرآیند وزن‌دهی معیارها در تصمیم‌گیری چندمعیاره طراحی شده است. این روش به جای استفاده از مقایسه‌های پیچیده یا رتبه‌بندی معیارها، از امتیازدهی مستقیم تصمیم‌گیرندگان (DMs) استفاده می‌کند. تمامی مراحل با استفاده از نرم‌افزار Excel، با در نظر گرفتن ۴ بعد، ۹ شاخص و ۳۱ زیر شاخص انجام شده است که روایی پرسشنامه، پس از بررسی و تأیید توسط متخصصان و خبرگان، تضمین شده است. در بخش کیفی پژوهش، با استفاده از مرور عمیق ادبیات تحقیق، شاخص‌های پژوهش مشخص شده‌اند. در بخش کمی، برای وزن‌دهی متغیرها، از روش SIWES استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات، با استفاده از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های بخش کیفی، پرسشنامه ساختاریافته براساس طیف لیکرت به صورت حضوری یا مجازی، توسط جامعه‌ی آماری تکمیل شده است. جامعه‌ی آماری شامل ۳۰ نفر از کارشناسان حوزه‌ی برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، بافت فرسوده شهری و خبرگان آشنا به موضوع، با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، می‌باشد. انتخاب این افراد بر اساس نمونه‌گیری غیر احتمالی و هدفمند انجام شده است. پرسشنامه‌ها شامل جدولی از مؤلفه‌ها و روابط میان آن‌ها بوده و میزان اهمیت این مؤلفه‌ها بر یکدیگر، از طریق نظرات خبرگان تعیین شده است. پرسشنامه‌ها استاندارد بوده و در پژوهش‌های مشابه نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

شاخص‌های پژوهش

در جدول زیر شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با تمرکز بر «ارتقاء منزلت اجتماعی» به صورت دسته‌بندی شده و تفکیکی ارائه شده است. این دسته‌بندی بر اساس ابعاد چهارگانه اصلی (اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی-محیطی، و نهادی-مدیریتی) تنظیم شده تا تمامی جنبه‌های زندگی شهروندی که بر شأن و جایگاه اجتماعی اثرگذارند را پوشش دهد.

جدول ۱. شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با تمرکز بر ارتقاء منزلت اجتماعی

ک	زیر شاخص	شاخص	ابعاد
S1	احساس افتخار به سکونت در محله (کاهش تمایل به جابجایی).	هویت‌بخشی و	بعد اجتماعی و فرهنگی (S)
S2	احیاء خاطرات جمعی و حفظ بناهای ارزشمند تاریخی یا نمادین محله.	تعلق مکانی	
S3	انگ‌زدایی از محله (تغییر نگاه سایر شهروندان به ساکنین این بافت).	(S-ID)	
S4	تقویت همبستگی همسایگی و روابط چهره‌به‌چهره.		
S5	میزان دخالت ساکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری نوسازی (از نیازسنجی تا اجرا).	مشارکت و	
S6	تشکیل و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) و دفاتر تسهیلگری محلی.	سرمايه	
S7	اعتماد متقابل بین ساکنان و اعتماد ساکنان به مدیران شهری.	اجتماعی	
S8	وجود گروه‌های داوطلبانه برای حل معضلات محلی	(S-SC)	
S9	احساس امنیت روانی و فیزیکی در فضاهای عمومی (به‌ویژه برای زنان، کودکان و سالمندان).	امنیت و	
S10	کاهش آسیب‌های اجتماعی مشهود (مانند اعتیاد و تکدی‌گری) که به وجهه محله آسیب می‌زند.	عدالت	
S11	دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی و فرهنگی برابر با سایر نقاط شهر.	اجتماعی	
E1	رخ اشتغال ساکنان بومی در مشاغل ایجاد شده ناشی از نوسازی.	اشتغال و	بعد اقتصادی (E)
E2	حمایت از مشاغل خانگی و کارگاه‌های کوچک زودبازده.	کارآفرینی	
E3	ارتقاء مهارت‌های فنی و حرفه‌ای ساکنان برای کسب درآمد پایدار.	(E-EMP)	
E4	افزایش ارزش افزوده املاک ساکنان پس از نوسازی (تبدیل سرمایه مرده به سرمایه مولد).	ارزش‌داری و	
E5	توانایی ساکنان برای سرمایه‌گذاری مجدد در محله خود.	ثروت (E-AV)	
E6	جلوگیری از اعیان‌سازی اجباری که منجر به رانده شدن ساکنان کم‌درآمد شود.		
P1	استحکام بنا و مقاومت در برابر زلزله (احساس امنیت جانی).	کیفیت	بعد کالبدی و محیطی (P)
P2	بهداشت محیط مسکونی و دسترسی به نور و تهویه مناسب.	مسکن (P-)	
P3	زیبایی بصری نمای ساختمان‌ها (حذف اغتشاشات بصری که نشان‌دهنده فقر است).	(HQ)	
P4	تراکم نفر در اتاق (بهبود سرانه زیربنای مسکونی).		
P5	وجود فضاهای سبز، پارک‌ها و پاتوق‌های محلی آراسته برای تعاملات اجتماعی.	کیفیت	
P6	کیفیت معابر و دسترسی آسان (آسفالت، پیاده‌روسازی مناسب برای معلولین و سالمندان).	فضاهای	
P7	روشنایی مناسب معابر در شب (ارتقاء سرزندگی و امنیت).	عمومی و	
P8	جمع‌آوری منظم زباله و نظافت محیطی (بهداشت محیطی به عنوان حق شهروندی).	زیرساخت‌ها	
M1	توزیع عادلانه خدمات هفتگانه (آموزشی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، تجاری، فضای سبز، فرهنگی).	دسترسی به	بعد نهادی و مدیریتی (M)
M2	سهولت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی با کیفیت.	خدمات	
M3	پاسخگویی سریع و محترمانه شهرداری و نهادها به درخواست‌های ساکنان.	شهرداری (M-) (US)	
		حکمروایی	

M4	شفافیت در قوانین و مشوق‌های نوسازی برای جلوگیری از فساد اداری.	خوب شهری
M5	رعایت حقوق مالکیت و عدم اجبار در تملک اراضی.	(M-GG)
M6	برگزاری جلسات پرسش و پاسخ منظم با مسئولین در مساجد یا مراکز محله.	

منبع: گردآوردگان، ۱۴۰۴.

یافته‌ها

در این پژوهش با استفاده از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش‌های انجام شده شاخص‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با تمرکز بر ارتقاء منزلت اجتماعی شهر هرسین شناسایی شدند، سپس برای بومی‌سازی عوامل، پرسش‌نامه‌ای بین ۳۰ نفر توزیع شد. در ادامه به شرح یافته‌های هر مرحله از روش سای‌ویک (SIWES) پرداخته شده است:

مرحله اول: تعیین اهمیت معیارها با استفاده از رتبه‌بندی DM: در این مرحله، DM معیارهای داده شده را با نمرات تعریف شده ارزیابی می‌کند که می‌تواند از ۱ تا ۵ یا از ۱ تا ۷ باشد در واقع درجه DM به گونه‌ای است که اگر معیاری از نظر آن‌ها مهمتر از سایرین باشد، نمره بالاتری می‌گیرد و بالعکس.

مرحله دوم: تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری اولیه: این ماتریس بر اساس نمرات DM تشکیل شده است، که در آن معیارها در ستون‌ها و نمرات DM در ردیف برای معیارهای خاص ارائه می‌شوند.

(۱)

$$X = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \vdots & \vdots & & \vdots \\ x_{m1} & x_{m2} & & x_{mn} \end{bmatrix}$$

جایی که X_{ij} نمرات داده شده توسط DM را با معیارهای خاصی ارائه می‌دهد.

جدول (۲). نمرات ابعاد اصلی پژوهش

کارشناس	S	E	P	M	کارشناس	S	E	P	M	کارشناس	S	E	P	M
N1	۴	۴	۲	۲	N11	۳	۳	۳	۲	N21	۵	۴	۳	۴
N2	۵	۴	۲	۴	N12	۳	۲	۴	۴	N22	۵	۱	۵	۲
N3	۵	۵	۳	۳	N13	۴	۵	۳	۲	N23	۳	۳	۴	۲
N4	۳	۳	۳	۲	N14	۵	۴	۴	۲	N24	۴	۴	۴	۲
N5	۵	۱	۳	۲	N15	۵	۴	۳	۴	N25	۵	۲	۳	۱
N6	۳	۳	۴	۱	N16	۵	۵	۱	۱	N26	۵	۳	۲	۲
N7	۴	۴	۵	۲	N17	۳	۳	۲	۳	N27	۳	۲	۳	۳
N8	۵	۲	۳	۳	N18	۵	۴	۲	۲	N28	۳	۳	۳	۳
N9	۵	۳	۲	۲	N19	۵	۳	۲	۳	N29	۳	۳	۴	۱
N10	۳	۲	۱	۳	N20	۳	۳	۲	۳	N30	۴	۴	۳	۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

مرحله سوم: نرمال‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری اولیه: برخلاف نرمال‌سازی که در روش‌های تحلیل چند معیاره اعمال می‌شود، در اینجا هر معیار بر مقدار حداکثر همه درجه‌ها تقسیم می‌شود و نه بر مقدار حداکثر برای معیارهای خاص.

(۲)

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_{ij \max}}$$

جایی که X_{ij} حداکثر نمره همه معیارها را توسط همه DM ارائه می‌دهد.

جدول (۳). نرمال سازی ابعاد اصلی پژوهش

کارشناس	S	E	P	M	کارشناس	S	E	P	M	کارشناس	S	E	P	M
N1	0/80	0/80	0/40	0/40	N11	0/60	0/60	0/60	0/40	N21	1/00	0/80	0/60	0/80
N2	1/00	0/80	0/40	0/80	N12	0/60	0/40	0/80	0/80	N22	1/00	0/20	1/00	0/40
N3	1/00	1/00	0/60	0/60	N13	0/80	1/00	0/60	0/40	N23	0/60	0/60	0/80	0/40
N4	0/60	0/60	0/60	0/40	N14	1/00	0/80	0/80	0/40	N24	0/80	0/80	0/80	0/40
N5	1/00	0/20	0/60	0/40	N15	1/00	0/80	0/60	0/80	N25	1/00	0/40	0/60	0/20
N6	0/60	0/60	0/80	0/20	N16	1/00	1/00	0/20	0/20	N26	1/00	0/60	0/40	0/40
N7	0/80	0/80	1/00	0/40	N17	0/60	0/60	0/40	0/60	N27	0/60	0/40	0/60	0/60
N8	1/00	0/40	0/60	0/60	N18	1/00	0/80	0/40	0/40	N28	1/00	0/60	0/80	0/60
N9	1/00	0/60	0/40	0/40	N19	1/00	0/60	0/40	0/60	N29	0/60	0/60	0/80	0/20
N10	0/60	0/40	0/20	0/60	N20	0/60	0/60	0/40	0/60	N30	0/80	0/80	0/60	0/60

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

مرحله ۴. محاسبه مقدار انحراف استاندارد برای $DM (St.dev_j)$: در این مرحله مقادیر انحراف استاندارد برای نمرات نرمال شده DM محاسبه می‌شود. این مرحله به گونه‌ای انجام می‌شود که در صورتی که رتبه‌بندی‌های وی در جایی که انحراف بیشتر است، به یک DM خاص نسبت به سایر DM اولویت بیشتری داده شود. اگر DM رتبه بندی‌های متنوع‌تری داشته باشد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این به دلیل تشویق تفکر واقع بینانه در بین DM است زیرا همه معیارها نمی‌توانند اهمیت یکسانی داشته باشند، برخی باید بهتر و برخی بدتر از سایر معیارها باشند.

جدول (۴). محاسبه مقدار انحراف استاندارد برای DM

انحراف معیار	پاسخ‌دهندگان	انحراف معیار	پاسخ‌دهندگان	انحراف معیار	پاسخ‌دهندگان	انحراف معیار	پاسخ‌دهندگان	انحراف معیار	پاسخ‌دهندگان
N1	0/2309	N7	0/2517	N13	0/2582	N19	0/2517	N25	0/3416
N2	0/2517	N8	0/2517	N14	0/2517	N20	0/1000	N26	0/2828
N3	0/2309	N9	0/2828	N15	0/1633	N21	0/1633	N27	0/1000
N4	0/1000	N10	0/1915	N16	0/4619	N22	0/4123	N28	0/1915
N5	0/3416	N11	0/1000	N17	0/1000	N23	0/1633	N29	0/2517
N6	0/2517	N12	0/1915	N18	0/3000	N24	0/2000	N30	0/1155

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

مرحله ۵. ضرب نمرات نرمال شده با مقادیر انحراف استاندارد: در این مرحله، مقادیر نرمال شده نمرات DM خاص با مقادیر استاندارد ضرب می‌شود.

$$v_{ij} = n_{ij} \times st.dev_j$$

جدول (۵). ضرب نمرات نرمال شده با مقادیر انحراف استاندارد ابعاد اصلی پژوهش

پاسخ‌دهندگان	S	E	P	M	پاسخ	S	E	P	M
N1	0/1848	0/1848	0/0924	0/0924	N16	0/4619	0/4619	0/0924	0/0924
N2	0/2517	0/2013	0/1007	0/2013	N17	0/0600	0/0600	0/0400	0/0600
N3	0/2309	0/2309	0/1386	0/1386	N18	0/3000	0/2400	0/1200	0/1200
N4	0/0600	0/0600	0/0600	0/0400	N19	0/2517	0/1510	0/1007	0/1510
N5	0/3416	0/0683	0/2049	0/1366	N20	0/0600	0/0600	0/0400	0/0600
N6	0/1510	0/1510	0/2013	0/0503	N21	0/1633	0/1306	0/0980	0/1306
N7	0/2013	0/2013	0/2517	0/1007	N22	0/4123	0/0825	0/4123	0/1649
N8	0/2517	0/1007	0/1510	0/1510	N23	0/0980	0/0980	0/1306	0/0653
N9	0/2828	0/1697	0/1131	0/1131	N24	0/1600	0/1600	0/1600	0/0800
N10	0/1149	0/0766	0/0383	0/1149	N25	0/3416	0/1366	0/2049	0/0683
N11	0/0600	0/0600	0/0600	0/0400	N26	0/2828	0/1697	0/1131	0/1131
N12	0/1149	0/0766	0/1532	0/1532	N27	0/0600	0/0400	0/0600	0/0600
N13	0/2066	0/2582	0/1549	0/1033	N28	0/1915	0/1149	0/1532	0/1149
N14	0/2517	0/2013	0/2013	0/1007	N29	0/1510	0/1510	0/2013	0/0503
N15	0/1633	0/1306	0/0980	0/1306	N30	0/0924	0/0924	0/0693	0/0693

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

مرحله ۶. محاسبه مجموع وزن معیارهای معین: در این مرحله، تمام نمرات نرمال شده ضرب شده با مقادیر انحراف استاندارد برای معیارهای خاص جمع می‌شوند.

$$S_{ij} = \sum_{j=1}^n v_j$$

جدول (۶). محاسبه مجموع وزن ابعاد اصلی

	S	E	P	M
S	5/953447	4/319939	4/015226	3/0669

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

مرحله ۷. محاسبه مقادیر نهایی وزن معیارها: در این مرحله مقادیر فردی S_j به مقادیر خلاصه تقسیم می‌شوند تا مجموع وزن معیارها برابر با یک (۱) باشد.

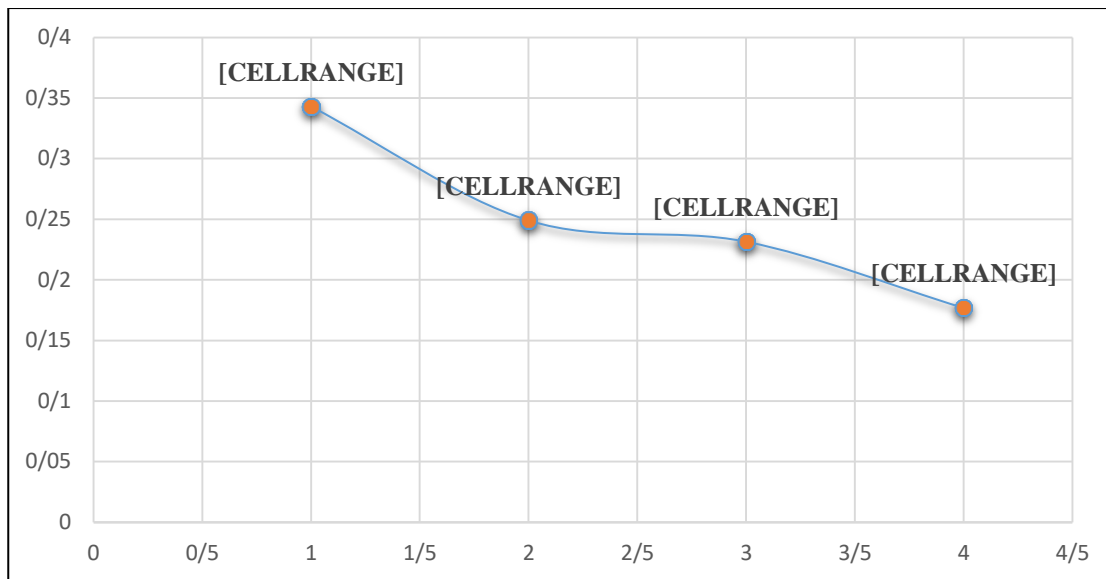
$$W_{ij} = \frac{S_{ij}}{\sum_{j=1}^n S_{ij}}$$

با استفاده از این مراحل از روش SIWEC وزن معیارها به دست می‌آید.

جدول (۷). محاسبه مقادیر نهایی وزن ابعاد اصلی

	S	E	P	M
W	0/3430	0/2489	0/2314	0/1767

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.



شکل (۳). محاسبه مقادیر نهایی وزن ابعاد اصلی منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

بر اساس نتایج جدول (۷) و شکل (۳)، بُعد اجتماعی و فرهنگی (S) با کسب بالاترین وزن نهایی (۰/۳۴۳۰)، به عنوان تأثیرگذارترین و حیاتی‌ترین رکن در توانمندسازی بافت فرسوده شهر هرسین شناخته شده است. این برتری عددی کاملاً با موضوع پژوهش که بر «ارتقاء منزلت اجتماعی» تمرکز دارد، همسو است. این نتیجه نشان می‌دهد که برای ساکنان و کارشناسان این بافت، مسائلی نظیر «هویت‌بخشی» (مانند احساس افتخار به سکونت و انگ‌زدایی) و «مشارکت اجتماعی» (مانند اعتماد متقابل و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها) اولویت بسیار بالاتری نسبت به سایر ابعاد دارند. در واقع، فاصله معنادار این بُعد با سایر ابعاد بیانگر آن است که مداخله صرفاً کالبدی بدون در نظر گرفتن پیوست‌های فرهنگی و هویت محله‌ای، نمی‌تواند به احیای پایدار منزلت شهروندان در هرسین منجر شود.

در رتبه‌های بعدی، بُعد اقتصادی (E) با وزن ۰/۲۴۸۹ و بُعد کالبدی و محیطی (P) با وزن ۰/۲۳۱۴ قرار گرفته‌اند که رقابت نزدیکی با یکدیگر دارند. قرارگیری بُعد اقتصادی در رتبه دوم نشان می‌دهد که پس از بازیابی هویت اجتماعی، «اشتغال و ارزش‌داری» مهم‌ترین دغدغه برای حفظ منزلت ساکنان است؛ چرا که فقر اقتصادی مستقیماً به کاهش منزلت اجتماعی و فرسودگی کالبدی دامن می‌زند. نکته قابل تامل این است که بُعد کالبدی (شامل کیفیت مسکن و زیرساخت‌ها) علیرغم اینکه معمولاً در پروژه‌های نوسازی در اولویت اول قرار می‌گیرد، در اینجا در جایگاه سوم است. این امر حاکی از یک تغییر پارادایم از «کالبدمحوری» به «انسان‌محوری» است و اثبات می‌کند که در شهر هرسین، بهبود فیزیکی محیط (مانند آسفالت یا نمای ساختمان) بدون پشتوانه اقتصادی و اجتماعی، برای شهروندان ارزش‌غایی محسوب نمی‌شود. در نهایت، بُعد نهادی و مدیریتی (M) با وزن ۰/۱۷۶۷ در پایین‌ترین سطح نمودار قرار دارد. این جایگاه لزوماً به معنای بی‌اهمیتی مدیریتی شهری نیست، بلکه نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند «حکمرانی خوب» و «دسترسی به خدمات» نقش ابزاری و تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند، نه هدف نهایی. به عبارتی، مدیریت شهری و نهادها باید به عنوان بستر ساز عمل کنند تا سه بُعد دیگر (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) محقق شوند. بنابراین، راهبرد نهایی برای توانمندسازی بافت فرسوده هرسین باید بدین صورت تدوین شود که بودجه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ابتداً صرف تقویت سرمایه اجتماعی و هویت محله (S) و توانمندسازی اقتصادی ساکنان (E) گردد و نوسازی کالبدی (P) در خدمت این دو هدف متعالی قرار گیرد.

جدول ۸. محاسبه مجموع وزن ابعاد، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های پژوهش

رتبه	وزن نهایی	وزن نسبی	زیر شاخص	وزن نسبی	شاخص	وزن نسبی	ابعاد
۳	0/001389	0/0375	S1	0/1080	هویت بخشی و	0/3430	بُعد اجتماعی و فرهنگی (S)
۸	0/001115	0/0301	S2		تعلق مکانی		
۵	0/001356	0/0366	S3		(S-ID)		
۴	0/001360	0/0367	S4				
۷	0/001144	0/0363	S5	0/0919	مشارکت و سرمایه		بُعد اقتصادی (E)
۱۱	0/001047	0/0332	S6		اجتماعی		
۱۴	0/000974	0/0309	S7		(S-SC)		
۱۲	0/001021	0/0324	S8				
۲	0/001438	0/0350	S9	0/1198	امنیت و عدالت		بُعد کالبدی و محیطی (P)
۱	0/001512	0/0368	S10		اجتماعی		
۶	0/001192	0/0290	S11		(S-SJ)		
۱۰	0/001050	0/0326	E1	0/1294	اشتغال و	0/2489	
۱۳	0/001005	0/0312	E2		کارآفرینی		بُعد کالبدی و محیطی (P)
۹	0/001060	0/0329	E3		(E-EMP)		
۱۷	0/000865	0/0303	E4	0/1147	ارزش‌داری و		
۱۸	0/000811	0/0284	E5		ثروت (E-AV)		
۲۰	0/000785	0/0275	E6				بُعد کالبدی و محیطی (P)
۱۹	0/000809	0/0302	P1	0/1158	کیفیت مسکن (P-)	0/2314	
۱۶	0/000884	0/0330	P2		(HQ)		
۲۱	0/000750	0/0280	P3				
۱۵	0/000943	0/0352	P4				بُعد کالبدی و محیطی (P)
۲۳	0/000741	0/0343	P5	0/0934	کیفیت فضاهای		
۲۲	0/000743	0/0344	P6		عمومی و		
۲۴	0/000696	0/0322	P7		زیرساخت‌ها		
۳۱	0/000584	0/0270	P8		(P-PS)		بُعد کالبدی و محیطی (P)
۲۶	0/000646	0/0331	M1	0/1105	دسترسی به	0/1767	
۲۷	0/000644	0/0330	M2		خدمات شهری (M-US)		
۲۵	0/000658	0/0320	M3	0/1164	حکمروایی خوب		
۳۰	0/000592	0/0288	M4		شهری		بُعد کالبدی و محیطی (P)
۲۸	0/000631	0/0307	M5		(M-GG)		
۲۹	0/000625	0/0304	M6				

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴.

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که بُعد اجتماعی و فرهنگی (S) بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری را در فرآیند توانمندسازی بافت‌های فرسوده شهر هرسین با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی دارد. زیرشاخص «کاهش آسیب‌های اجتماعی مشهود» (S10) با وزن نهایی ۰/۰۰۱۵۱۲ بالاترین رتبه (رتبه ۱) را کسب کرده است که نشان‌دهنده یک بحران جدی یا دغدغه حیاتی در زمینه امنیت اجتماعی (مانند اعتیاد و تکدی‌گری) در این بافت است و باید به عنوان اصلی‌ترین اولویت اجرایی مدنظر قرار گیرد. پس از آن، زیرشاخص‌های «احساس امنیت روانی و فیزیکی» (S9) با رتبه ۲ (وزن ۰/۰۰۱۴۳۸)، «احساس افتخار به سکونت» (S1) با رتبه ۳

(وزن ۰/۰۰۱۳۸۹) و «تقویت همبستگی همسایگی» (S4) با رتبه ۴ (وزن ۰/۰۰۱۳۶۰) قرار گرفته‌اند. سلطه مطلق زیرشاخص‌های بُعد اجتماعی در رتبه‌های ۱ تا ۵ بیانگر آن است که برای احیای منزلت شهروندان در هرسین، ابتدا باید مسائل مربوط به امنیت، هویت و سرمایه اجتماعی به صورت جدی درمان شوند؛ چرا که تا زمانی که «انگ اجتماعی» و «نامنی» بر بافت حاکم باشد، سایر اقدامات فیزیکی بی‌اثر خواهد بود. همچنین زیرشاخص «اشتغال و کارآفرینی» در رتبه‌های میانی (رتبه‌های ۹ و ۱۰) قرار گرفته که نشان می‌دهد اقتصاد، پشتیبان مسائل اجتماعی است. در مقابل اهمیت بسیار بالای شاخص‌های اجتماعی، وزن نهایی شاخص‌های مربوط به ابعاد کالبدی (P) و مدیریتی (M) در رده‌های پایین‌تر جدول قرار گرفته‌اند. به طور خاص، زیرشاخص «شفافیت در قوانین» (M4) با رتبه ۳۰ (وزن ۰/۰۰۰۵۹۲) و زیرشاخص «جمع‌آوری منظم زباله» (P8) با کمترین وزن (۰/۰۰۰۵۸۴) در رتبه ۳۱ (آخر) قرار گرفته‌اند. این کم‌وزنی هشدار جدی برای مدیران شهری است؛ زیرا نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی نوسازی (صرفاً آسفالت، جمع‌آوری زباله یا تراکم ساختمانی) بدون توجه به پیوست‌های اجتماعی و امنیتی، کمترین تأثیر را در ارتقاء منزلت ساکنان این محله‌ها دارد. بنابراین، برای ایجاد توانمندسازی واقعی، ضروری است که بودجه‌ها و برنامه‌ها از تمرکز صرف بر «کالبد و خدمات» (M و P) به سمت «امنیت و هویت» (S) تغییر جهت دهند.

در نهایت نتایج نشان‌دهنده تغییر پارادایم از «کالبدمحوری» به «انسان‌محوری» در اولویت‌های نوسازی بافت فرسوده شهر هرسین است. داده‌ها به وضوح اثبات می‌کنند که چالش اصلی این بافت‌ها فرسودگی آجر و ساختمان نیست، بلکه «فرسودگی اجتماعی» است. تمرکز وزن‌های بالا بر روی امنیت، کاهش آسیب‌های اجتماعی و هویت‌بخشی، گویای آن است که ساکنان پیش از نیاز به خدمات شهری لوکس یا ساختمان‌های نوساز، نیازمند بازیابی حس امنیت و غرور از دست‌رفته سکونت در محله خود هستند و هرگونه مداخله مدیریتی باید ابتدا این نیازهای بنیادین را هدف قرار دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری، نیازمند گذار از مداخلات صرفاً کالبدی به رویکردهای جامع‌نگر با محوریت احیای سرمایه‌های انسانی و هویت اجتماعی است. در شهر هرسین، درهم‌تنیدگی فرسودگی فیزیکی با چالش‌های منزلتی، ضرورت بازتعریف الگوی توانمندسازی را اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأهای برنامه‌ریزی، به واکاوی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های کلیدی پرداخته تا تصویری شفاف از اولویت‌های مداخله برای ارتقاء زیست‌پذیری و بازگرداندن منزلت شهروندان ارائه دهد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد ارتقاء منزلت اجتماعی در شهر هرسین، با ماهیتی کاربردی و رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) انجام پذیرفت. به منظور دستیابی به اهداف، پس از شناسایی شاخص‌ها از طریق مرور ادبیات، از روش نوین SIWEC جهت وزن‌دهی و اولویت‌بندی ۴ بُعد، ۹ شاخص و ۳۱ زیرشاخص استفاده شد. داده‌های پژوهش نیز از طریق پرسشنامه و با نظرخواهی از ۳۰ نفر از خبرگان و متخصصان مدیریت و برنامه‌ریزی شهری گردآوری گردید. نتایج نشان داد که بُعد اجتماعی و فرهنگی (S) با کسب وزن نهایی ۰/۳۴۳۰، به عنوان تأثیرگذارترین و حیاتی‌ترین رکن در توانمندسازی بافت فرسوده هرسین شناخته می‌شود. این امر بیانگر همسویی کامل دیدگاه خبرگان با رویکرد پژوهش (ارتقاء منزلت اجتماعی) است و نشان می‌دهد که مسائلی نظیر «هویت‌بخشی» و «مشارکت اجتماعی» بر سایر جنبه‌ها تقدم دارند. پس از آن، بُعد اقتصادی (E) با وزن ۰/۲۴۸۹ در رتبه دوم قرار گرفت که بر نقش حیاتی اشتغال و معیشت در حفظ منزلت ساکنان تأکید دارد. قرارگیری بُعد کالبدی (P) در رتبه سوم و بُعد نهادی (M) در جایگاه آخر، حاکی از آن است که مداخلات فیزیکی و مدیریتی باید نقش تسهیل‌گر و بسترساز را برای اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی ایفا کنند. در تحلیل ریزمقیاس، زیرشاخص «کاهش آسیب‌های اجتماعی مشهود» (S10) با بالاترین وزن (۰/۰۰۱۵۱۲) در رتبه اول و «احساس امنیت روانی و فیزیکی» (S9) در رتبه دوم قرار گرفتند. سلطه شاخص‌های اجتماعی در صدر جدول اولویت‌بندی، گویای وجود یک بحران جدی در زمینه امنیت و آسیب‌های اجتماعی در بافت مورد مطالعه است. در مقابل، قرارگیری شاخص‌های خدماتی محض نظیر

«جمع‌آوری زباله» (P8) و «شفافیت قوانین» (M4) در نهایت نشان می‌دهد که بدون حل معضلات ریشه‌ای اجتماعی، ارتقای خدمات روزمره تأثیر چندانی بر بهبود وضعیت بافت نخواهد داشت.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش ضرورت یک تغییر پارادایم اساسی از «کالبدمحوری» به «انسان‌محوری» را در سیاست‌های بازآفرینی شهر هرسین اثبات می‌کند. داده‌ها به وضوح نشان می‌دهند که چالش اصلی، «فرسودگی اجتماعی» (شامل نامنی، انگ‌خوردگی و ضعف هویت) است که بر فرسودگی کالبدی پیشی گرفته است. بنابراین، راهبرد نهایی برای توانمندسازی موفق، تغییر مسیر بودجه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از تمرکز صرف بر نوسازی فیزیکی به سمت «بازآفرینی اجتماعی» و بازیابی حس تعلق و غرور ساکنان است.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر اولویت داشتن ابعاد «اجتماعی» و «اقتصادی» نسبت به ابعاد «کالبدی» و «مدیریتی»، همسویی قابل توجهی با نتایج حیدرمنش و همکاران (۱۴۰۱) در بافت ناکارآمد آبادان دارد؛ چراکه آن‌ها نیز مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی را پیشران‌های کلیدی دانسته و ابعاد کالبدی و مدیریتی را در پایین‌ترین سطح اثرگذاری معرفی کردند. همچنین، تأکید پژوهش حاضر بر «منزلت اجتماعی» و نقش حیاتی «هویت و تعلق مکانی» (S-ID) با نتایج اسمعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در اراک و بریر (۲۰۲۵) همخوانی کامل دارد؛ هر دو مطالعه تأیید می‌کنند که برخلاف نظریات سنتی، «اصالت و منزلت اجتماعی» و منابع فرهنگی، تعیین‌کننده‌تر از صرف کالبد فیزیکی در ارزش‌گذاری بافت هستند. علاوه بر این، اهمیت بالای «کاهش آسیب‌های اجتماعی» و «سرمایه اجتماعی» در مطالعه حاضر، با یافته‌های سرگلزایی جوان و هادیان (۱۳۹۵) در زاهدان که بر رابطه دیالکتیک سرمایه اجتماعی و توانمندسازی تأکید دارند، هم‌راستا است و نشان‌دهنده گذار رویکردها از مداخلات فیزیکی به سمت پارادایم انسان‌محوری و اجتماعی است. در مقابل، نتایج این پژوهش با یافته‌های محمدی و همکاران (۲۰۲۵) در منطقه ۱۲ تهران در تضاد است؛ زیرا در آن مطالعه «تهیه طرح بهسازی و نوسازی» (یک مؤلفه مدیریتی/کالبدی) به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت و وزن‌دارترین عامل شناسایی شده است، در حالی که در پژوهش حاضر بُعد مدیریتی (M) و کالبدی (P) کمترین وزن و اهمیت را نسبت به ابعاد اجتماعی داشته‌اند. همچنین، تفاوت ظریفی با نتایج قنبری و حسینی‌نیا (۱۴۰۰) و زیاری و رستمی (۱۴۰۳) مشاهده می‌شود؛ در پژوهش قنبری در قشم، «بعد اقتصادی» بالاتر از «بعد فرهنگی» قرار گرفته است، اما در مطالعه حاضر (شهر هرسین)، «بعد اجتماعی و فرهنگی» با اختلاف معناداری بالاتر از بعد اقتصادی اولویت‌بندی شده است. از سوی دیگر، زیاری در سندج مؤلفه «آموزش» را دارای بیشترین تأثیر دانسته است، در حالی که در این پژوهش، اولویت اصلی بر «امنیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی» (S9 و S10) متمرکز است که نشان‌دهنده تفاوت در نوع نیازهای اجتماعی بافت‌های مورد مطالعه (نیاز به امنیت در هرسین در مقابل نیاز به آموزش در سندج) است. بر اساس نتایج تحلیل شده، چهار پیشنهاد کلی و راهبردی زیر تدوین گردید:

- ❖ تغییر اولویت مداخله از نوسازی کالبدی به «بازآفرینی اجتماعی و امنیتی»: تمرکز بودجه‌ها و برنامه‌های اجرایی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی مشهود، زدودن انگ فضایی از محلات و ارتقای احساس امنیت روانی و فیزیکی به عنوان پیش‌شرط هرگونه اقدام عمرانی.
- ❖ توانمندسازی اقتصادی ساکنان به عنوان ضامن پایداری منزلت اجتماعی: حمایت از کسب‌وکارهای خرد و محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی درون‌بافت، جهت بهبود وضعیت معیشتی ساکنان و جلوگیری از طرد شدن اقشار کم‌درآمد در فرایند نوسازی.
- ❖ بازتعریف نقش طرح‌های کالبدی به عنوان «تسهیل‌گر» روابط اجتماعی: طراحی فضاهای شهری و معماری با رویکرد «انسان‌محور» و CPTED (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) به منظور تقویت تعاملات همسایگی و افزایش نظارت اجتماعی، نه صرفاً نوسازی ساختمان‌ها.
- ❖ گذار مدیریت شهری از رویکرد خدماتی صرف به «مدیریت تسهیل‌گر و مشارکتی»: اصلاح ساختار مدیریتی برای جلب مشارکت واقعی شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از ظرفیت‌های نهادی برای تقویت حس تعلق و هویت محله‌ای به جای تمرکز صرف بر خدمات روتین شهری.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله به شکل توضیح داده شده از سوی مجله، مورد تأیید نویسندگان این مقاله است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر فاقد حمایت مالی است.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در مراحل مختلف نوشتن این مقاله با نظرات خود ما را یاری دادند، سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع و مأخذ

اسمعیل پور، فاطمه، سرایی، محمدحسین، و اسمعیل پور، نجما. (۱۴۰۰). تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربست مدل معادلات ساختاری (نمونه مورد مطالعه: بافت میانی شهر اراک). *مطالعات شهری*، ۱۰(۳۸)، ۱۷-۳۰.

[SID. https://sid.ir/paper/411044/fa](https://sid.ir/paper/411044/fa)

امامی نجف آبادی، سید علی‌رضا، طغیانی، شیرین و صابری، حمید. (۱۴۰۴). بررسی شاخص‌های توسعه پایدار و طرح‌های مداخله‌گر شهری و بافت‌های فرسوده شهری، مطالعه موردی: محالت زینبیه، قائمیه و همت آباد اصفهان. *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*، ۱۵(۶۰)، ۱۷۰-۱۵۰.

[DOI:10.22034/jgeoq.2025.459306.4107](https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.459306.4107)

ایلانلو، مریم و سهرابی، احسان. (۱۴۰۱). ارزیابی میزان تاب‌آوری کالبدی بافت فرسوده در مقابل مخاطرات طبیعی با تأکید بر زلزله (مطالعه موردی: محله جوادیه منطقه ۱۶ تهران). *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۳(۳)، ۹۸-۱۱۹.

https://www.srds.ir/article_163840.html

حسن زاده توکلی، سمیه، زندمقدم، محمدرضا، و کرکه آبادی، زینب. (۱۳۹۸). ارزیابی میزان تاب‌آوری بافت‌های فرسوده در مقابل مخاطرات طبیعی مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر سمنان. *شهر پایدار*، ۲(۴)، ۸۳-۹۹.

<https://sid.ir/paper/361671/fa>

حق پناه، مریم؛ کریمی، باقر؛ و مهدی نژاد درزی، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). رویکرد مشارکت جویانه در ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه‌ی مورد مطالعه: محله‌ی نادر کاظمی شیراز). *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۲(۴۷)، ۳۰۵-۳۱۸.

[doi: 10.30495/jupm.2021.27426.3806](https://doi.org/10.30495/jupm.2021.27426.3806)

حیدرمنش، شیلان؛ اذانی، مه‌ری؛ گندمکار، امیر؛ صابری، حمید. (۱۴۰۱). شناسایی پیشران‌های استراتژیک موثر بر فقر جهت توانمندسازی بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان با رویکرد آینده‌نگاری در افق ۱۴۲۰، *برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۲۲، ۱۷۷-۲۱۱.

<http://dx.doi.org/10.22054/urdp.2022.67037.1425>

رسولی، م.، حاجی‌زاده اناری، ح.، سعیدپور، س.، هوشنگ، م.، م. و قبادی، س. (۱۴۰۲). ارائه راهبردهای بازآفرینی مبتنی بر رویداد در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر سنندج). *توسعه پایدار شهری*، ۴(۱۱)، ۵۱-۷۰.

<https://sid.ir/paper/1070893/fa#downloadbottom>

- زیاری، کرامت‌اله؛ رستمی، محیا . (۱۴۰۳). اثرگذاری مؤلفه‌های توانمندسازی در بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر سنندج). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۱۱(۳۹)، ۱۹۷-۲۱۵. [DOI: 10.22080/usfs.2024.26246.2390](https://doi.org/10.22080/usfs.2024.26246.2390)
- سبحانی، نوبخت؛ حکمت‌نیا، حسن؛ فخار تازه یزدی، فرشته و سلمان زاده، سینا. (۱۴۰۲). ارزیابی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد بازآفرینی شهری (مورد شهر میاندوآب). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۵(۳)، ۱۱۵-۱۳۹. [doi: 10.22059/jhgr.2022.332976.1008401](https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.332976.1008401)
- سرگلزایی جوان، طیبیه، هادیان، زهره. (۱۳۹۵). امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: محله شیرآباد شهر زاهدان)، *رفاه اجتماعی*، ۱۶ (۶۳)، ۲۱۴-۱۸۵. [URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2724-fa.html](http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2724-fa.html)
- قنبری، اسماعیل؛ حسینی‌نیا، مهدیه. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر توانمندسازی بافت فرسوده شهری بر ارتقای گردشگری بوم‌گرا نمونه موردی شهر ساحلی قشم، *پژوهش‌های گردشگری و توسعه پایدار*، ۴(۱۶)، ۱۱ تا ۲۲. <https://ensani.ir/file/download/article/1665481269-10159-16-2.pdf>
- ماندنی، اشرف. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر تصویر ذهنی شهروندان از بافت فرسوده و راهکارهای بهبود آن (مطالعه موردی: بافت‌های فرسوده اطراف مسجد جامع قم). *علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا*، ۱(۲)، ۱۲۶-۱۴۳. <https://rimag.ricest.ac.ir/fa/Article/34409>
- محمدی، جمال و سالاری، زهرا. (۱۴۰۲). شناسایی و تدوین راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک و تحلیل شبکه (SWOT - ANP) (مطالعه موردی: محله دردشت اصفهان). *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱)، ۳۰-۴۸. https://www.srds.ir/article_174326_db6e818ed7721c8fc660a6ca43544d8b.pdf
- موسوی، محمد. (۱۳۹۵). طراحی الگوی ارزیابی عملکرد سازمان‌های تابعه مدیریت شهری با استفاده از توسعه کارت امتیازی متوازن، *مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۲(۴)، ۹۹-۱۱۶. [DOI:20.1001.1.2322522.1395.4.0.21.6](https://doi.org/10.2322522.1395.4.0.21.6)
- نادری، سیدمجید و رنجبردار، محمدعلی. (۱۴۰۱). تبیین معیارهای بازآفرینی شهری در راستای دستیابی به توسعه پایدار (مطالعه موردی: محله بریانک منطقه ۱۰ تهران). *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۳(۲)، ۲۰۵-۲۲۲. https://www.srds.ir/article_156303_b869330549d07e11f2ab1d3a50aa774e.pdf
- Breyer, M. (2025). Perceptions of the social status hierarchy and its cultural and economic sources. *European Journal of Political Research*, 64(2), 810-833. <https://doi.org/10.1111/1475-6765.12712>
- Chen, J., & Wang, Y. (2026). Formalizing ambiguous property rights as a panacea? Informal urban regeneration in Shanghai. *Eurasian Geography and Economics*, 67(1), 72-96. <https://doi.org/10.1080/15387216.2024.2363371>
- Dean, K., & Trillo, C. (2019). Assessing sustainability in housing led urban regeneration: Insights from a housing association in Northern England. *Architecture_MPS*, 15(2), 1-18.
- Emami Najafabadi, S. A. R., Toghiyani, S. & Saberi, H. (2025). Investigating sustainable development indicators and urban intervention plans and dilapidated urban textures, case study: Zeinbiyeh, Ghaemieh and Hemmat Abad in Isfahan. *Geography (Regional Planning)*, 15(60), 150-170. (In Persian). [DOI:10.22034/jgeoq.2025.459306.4107](https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.459306.4107)
- Esmailpour, F, Sarai, M, & Esmailpour, N. (2021). Explaining the role of neighborhood social status in the tendency to recreate it using the structural equation model (case study: the middle fabric of Arak city). *Urban Studies*, 10(38), 17-30. (In Persian). [SID. https://sid.ir/paper/411044/fa](https://sid.ir/paper/411044/fa)
- Ghanbari, Es, Hosseininia, M. (2021) Investigating the impact of empowering dilapidated urban fabric on promoting eco-friendly tourism, a case study of the coastal city of Qeshm,

- Tourism and Sustainable Development Research, 4(16). 11 to 22. (In Persian). <https://ensani.ir/file/download/article/1665481269-10159-16-2.pdf>.
- Haghpahan, M., karimi, B., & mehdi nejad darzi, J. (2022). A Participatory Approach to the Redevelopment and Rehabilitation of a Blighted Neighborhood (The Case Nader Kazami Neiborhood in Shiraz)., 12(47), 305-318. [doi: 10.30495/jupm.2021.27426.3806](https://doi.org/10.30495/jupm.2021.27426.3806).
- Hassanzadeh Tavakoli, S., Zandmoghaddam, M., and Karkehabadi, Z. (2019). Assessing the Resilience of Dilapidated Structures Against Natural Hazards: Case Study: Dilapidated Structures of Semnan City. Sustainable City, 2(4), 83-99. [SID. https://sid.ir/paper/361671/fa](https://sid.ir/paper/361671/fa)
- Heydarmanesh, Shilan; Azani, Mehri; Gandomkar, Amir; Saberi, Hamid. (2022). Identifying strategic drivers affecting poverty to empower inefficient oil textures of Abadan city with a foresight approach in the horizon of 1420, *Urban and Regional Development Planning*, 22, 177 -211. (In Persian). <http://dx.doi.org/10.22054/urdp.2022.67037.1425>.
- Husen, E. F., Ikhsan, A. M., Oktalena, S., Setiawan, R. A., Asmaniati, F., & Rahmanita, M. (2025). Smart Tourism Cities: Integrating Digital Technologies, Community Empowerment, and Sustainable Urban Development. *Journal of Economics, Finance and Management Studies* ,9,1.147-151. [DOI: 10.47191/jefms/v9-i1-14](https://doi.org/10.47191/jefms/v9-i1-14)
- Ilanloo, M. and Sohrabi, E. (2022). Valuating the Level of Physical Resilience of Old Tissue against Natural Hazards with an Emphasis on Earthquakes (Case Study: Javadieh Neighborhood of the Region 16 in Tehran). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 3(3), 98-119. https://www.srds.ir/article_163840.html.
- Kang, J., Zhang, Q., Zhang, B., Hu, Y., Zhang, C., & Li, C. (2025). Dual impacts of urban expansion on the carbon sequestration capacity of urban vegetation: A multi-scale global study. *Ecological Indicators*, 176, 113746. <https://doi.org/10.1080/15387216.2024.2363371>
- Mandani, A. (2021). Investigating the factors affecting citizens' mental image of dilapidated structures and solutions for their improvement (Case study: dilapidated structures around the Grand Mosque of Qom). *Environmental Sciences and Geographical Knowledge*, 1(2), 126-143. <https://rimag.ricest.ac.ir/fa/Article/34409>.
- Miao, Y., Koenig, R., Buš, P., Chang, M. C., Chirkin, A., & Treyer, L. (2017). Empowering urban design prototyping: a case study in Cape Town with interactive computational synthesis methods. <https://orcid.org/0000-0002-1730-4559>
- Mohammadi, J. and Salari, Z. (2023). Identifying and developing strategies for the renewal of worn-out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1), 30-48. https://www.srds.ir/article_174326_db6e818ed7721c8fc660a6ca43544d8b.pdf
- Mohammadi, V. R. A., Moghaddam, M. R. Z., & Kamyabi, S. (2025). Developing Empowerment Strategies and Physical Analysis of Deteriorated Urban Fabric Using an Integrated AHP and SWOT Approach (Case Study: District 12 of Tehran). *Management Strategies and Engineering Sciences*, 7(3), 131-141.
- Moosavi, M. (2016). Designing a Model of Performance Evaluation of the Subsidiaries Urban Management using the Balanced Score Card. *Public Organizations Management*, 4(2), 99-116. (In Persian). [DOI:20.1001.1.2322522.1395.4.0.21.6](https://doi.org/10.2322522.1395.4.0.21.6)
- Naderi, S. M. and Ranjbardar, M. A. (2022). Clarifying Urban Regeneration Criteria in order to Achieve Sustainable Development Case Study: Briyank Neighborhood, Region 10,

- Tehran). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 3(2), 205-222. https://www.srds.ir/article_156303.html?lang=en
- Ohno, H. (2018). Empowering “Small Flows” in the urban fabric: experiences from Japan. *Field Actions Science Reports*. The journal of field actions, (Special Issue 18), 40-45. <https://journals.openedition.org/factsreports/4817>
- Peerapun, W. (2018). Participatory planning approach to urban conservation and regeneration in Amphawa community, Thailand. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 3(6), 147-155. <https://doi.org/10.21834/aje-bs.v3i6.245>
- Rasoli, M., Hajizadeh Anari, H., Saeedpour, S., Hoshang, M. M., & Qobadi, S. (2023). Presenting Event-Based Regeneration Strategies of Urban Decay Fabrics (Case Study: Sanandaj City). *Sustainable Urban Development*, 4(11), 51-70. (In Persian). <https://sid.ir/paper/1070893/fa#downloadbottom>.
- Sargolzaee Javan T, Hadyani Z. (2017). Investigating the Feasibility of Empowering the Informal Settlements Quarters by Increasing the Social Capital (Case Study: Shir-Abad Quarter of Zahedan). *refahj*. 16(63), 185-214. (In Persian). [URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2724-fa.html](http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2724-fa.html)
- Sobhani, N., Hekmatnia, H., f, F. and s, S. (2023). Evaluation of urban worn-out structures with urban regeneration approach (Case: Miandoab city). *Human Geography Research*, 55(3), 115-139. [doi: 10.22059/jhgr.2022.332976.1008401](https://doi.org/10.22059/jhgr.2022.332976.1008401)
- Wang, Z., Jie, H., Fu, H., Wang, L., Jiang, H., Ding, L., & Chen, Y. (2022). A social-media-based improvement index for urban renewal. *Ecological Indicators*, 137, 108775. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2022.108775>.
- Wegleitner, K., Sprung, A., Kainradl, A. C., Pupić, D., Kukovetz, B., & Kribernegg, U. (2026). Social participation and active citizenship of older adults in caring neighbourhoods: Insights from the inter-and transdisciplinary project Caring-Living-Labs Graz. *Berliner Journal für Soziologie*, 1-22.
- Ziyari, K., & Rostami, M. (2024). The Effectiveness of Empowerment Components in Sustainable Regeneration (Case Study: Sanan-daj City). *Urban Structure and Function Studies*, 11(39), 197-215. (In Persian). [doi: 10.22080/usfs.2024.26246.2390](https://doi.org/10.22080/usfs.2024.26246.2390).